

## عنوان مقاله:

خرقه دریدن، از روزگار باستان تا خانقاه صوفیه

## محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی، دوره 16، شماره 37 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

## نویسنده:

نگین مزگانی - دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

در این پژوهش، سنت خانقاهی خرقة دریدن با آداب مشابهی در فرهنگ های ایران باستان، مسیحیت، یهودیت و همچنین برخی رسوم کهن عرب جاهلی، مصری و بین النهرینی مقایسه شده است. در بخش نخست این مقاله به معرفی اجمالی سنت جامه دریدن در تصوف اسلامی پرداخته و در ادامه با ارائه شواهدی نشان داده شده است که شباهت بسیاری میان این رسم و سنت جامه دریدن در دیگر فرهنگ ها و مذاهب کهن وجود دارد که از قدمت و گستردگی این رسم باستانی به ویژه در منطقه خاور نزدیک حکایت می کند. به طور کلی در تمام نمونه های بازمانده، جامه دریدن بر نوعی حس اضطراب شدید دلالت دارد. در نمونه های کهن تر، مرگ عزیزان و ترس از عواقب هولناک گناهان کبیره ای چون کفرگویی اصلی ترین محرک های این رفتار خاص اند. این معانی در ادبیات یهودی، مسیحی و اسلامی نمونه های فراوانی دارند و همچنین به فرهنگ تصوف اسلامی نیز راه یافته اند. علاوه بر این ها، تصوف اسلامی این رسم کهن را بازتفسیر و با افزودن معانی تازه ای متناسب با چهارچوب های مفهومی خود به سنت باستانی جامه دریدن، آن را به رسمی خانقاهی بدل کرده است. در پایان این نوشته، پس از تحلیل نمونه های متعدد از این رفتار سمبولیک در طول تاریخ، به نخستین ریشه ها و فرایند شکل گیری آن پرداخته می شود و دو فرضیه در رابطه با سرمنشاهای این رسم کهن، تحلیل و بررسی می شوند.

## کلمات کلیدی:

جامه دریدن، خرقة، تصوف، خاور نزدیک، ادبیات فارسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2079222>

